



«حلقات»

دس 11

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای پیشوایی

مقدمه

یکی از آیاتی که برای اثبات حجیت خبر واحد به آن تمسک شده است، آیه نفر می باشد. استدلال به این آیه شریفه در سه مقدمه مطرح شد. در مقدمه نخست اثبات وجوب تحذر، در مقدمه دوم اثبات اطلاق وجوب تحذر و در مقدمه سوم تلازم میان وجوب تحذر و حجیت خبر واحد اثبات می شد.

به تمامی فقرات این استدلال اشکال شده است. در جلسه گذشته اشکالات مقدمه نخست بیان شد؛ اما شهید صدر سرانجام با پذیرش تمام اشکالات وارد شده به استدلال، با دلیلی دیگر ادعای استدلال کننده بر دلالت آیه بر مطلوبیت تحذر را پذیرفتند.

در این درس اشکالات وارد شده به مقدمه دوم را بررسی می کنیم. این اشکالات دلالت آیه شریفه بر اطلاق وجوب تحذر را رد می کنند.

متن درس

وقد يناقش في الامر الثاني - بعد تسليم النخست - بان الآية الكريمة لا تدل على اطلاق وجوب التحذر لحالة عدم علم السامع بصدق المنذر وذلك لوجهين: احدهما: ان الآية لم تسق من حيث الاساس لافادة وجوب التحذر لئتمسك باطلاقها لاثبات وجوبه على كل حال، وانما هي مسوقة لافادة وجوب الانذار فيثبت باطلاقها ان وجوب الانذار ثابت على كل حال، وقد لا يوجب المولى التحذر الا على من حصل له العلم، ولكنه يوجب الانذار على كل حال، وذلك احتياطاً منه في مقام التشريع لعدم تمكنه من اعطاء الضابطة للتمييز بين حالات استتباع الانذار للعلم او مساهمته فيه وغيرها.

والوجه الآخر ما يدعى من وجود قرينة في الآية على عدم الاطلاق لظهورها في تعلق الانذار بما تفقه فيه المنذر في هجرته، وكون الحذر المطلوب مترقياً عقيب هذا النحو من الانذار فمع شك السامع في ذلك لا يمكن التمسك باطلاق الآية لاثبات مطلوبة الحذر

اشکال به دلالت آیه نفر

استدلال به آیه نفر مشتمل بر سه مقدمه بود : مقدمه نخست بر وجوب تحذر دلالت می کرد، مقدمه دوم اطلاق وجوب تحذر را بیان می کرد و مقدمه سوم تلازم بین وجوب تحذر و حجیت خبر واحد را اثبات می کرد. مقدمه نخست با تمامی اشکالات وارده پذیرفته شد. اکنون به اشکالات مقدمه دوم می پردازیم.

اشکال به مقدمه دوم

در مقدمه نخست وجوب تحذر در برابر انذار مندرین با سه قیاس اثبات می شد. به هر سه قیاس اشکال وارد شد؛ اما با دلالت سیاق، مطلوبیت و در نتیجه وجوب تحذر پذیرفته شد. مقدمه دوم اطلاق این وجوب را با همان سه قیاس که دال بر وجوب تحذر بود، اثبات می کرد. شهید صدر این استدالات را در دو وجه رد می کند:

وجه نخست: اصولاً آیه در مقام بیان وجوب تحذر نیست تا اطلاق داشته باشد.

وجه دوم: در آیه قرینه ای وجود دارد که بیان می کند وجوب تحذر در آیه مقید است.

توضیح وجه نخست

مدعای استدلال کننده این بود که آیه شریفه اطلاق وجوب تحذر را در دو حالت علم و عدم علم شنونده اثبات می کند؛ اما آیه در مقام بیان وجوب تحذر بر مردم نیست تا اطلاق وجوب تحذر را اثبات کند، بلکه در مقام بیان وجوب انذار بر مندرین است.

در فرآیند انذار دو عمل انجام می گیرد : از سویی مندرین به بیان تکالیف می پردازند و از سوی دیگر مردم به این تکالیف گوش فرا داده و به آن ها عمل می کنند. آئی شریفه تنها مرحله نخست را بیان می کند و ناظر به مرحله دوم؛ یعنی وجوب تحذر بر مردم نیست، تا بر اساس اطلاق این وجوب حکم شود که بر مردم واجب است تحذر داشته باشند، حتی اگر نسبت به قول مندرین برای آن ها علم حاصل نشود.

آیه شریفه تنها در مقام بیان تکلیف عده ای خاص از مردم؛ یعنی نافرین و متفقهین در دین است که باید انذار کنند. بنابراین مخاطب این امر در آیه، عده ای که کوچ می کنند، می باشند و این امر مطلق است. در نتیجه آن ها باید انذار کنند، حتی اگر مردم به یقین نرسند. اما نسبت به تکلیف مردم در مقام بیان نبوده و در نتیجه نسبت به وجوب تحذر مردم مطلق نمی باشد.

اشکال به وجه نخست

وجوب انذار به طور مطلق، مساوی و ملازم وجوب تحذر به طور مطلق است و گرنه انذار لغو بوده و امر به لغو کاری قبیح است؛ زیرا اگر مندرین انذار کنند و مردم ملزم به عمل به تکالیف بیان شده از سوی آنان نباشند،

این بیان کاری بیهوده است.

پاسخ

بین اطلاق وجوب تحذر و اطلاق وجوب انذار ملازمه‌ای نیست؛ زیرا ممکن است شارع از باب احتیاط در مقام جعل، انذار را مطلقا واجب کرده باشد؛ زیرا مطلوب شارع مقدس ممکن است، تحذر در صورت حصول علم باشد؛ اما به دلیل این که معیار مشخصی برای مفید بودن یا نبودن انذار وجود ندارد، تا منذر بتواند بر اساس آن معین کند کجا انذار مفید علم است و کجا مفید علم نیست، در مقام تشریع، احتیاطا، وجوب انذار را به طور مطلق جعل می‌کند و به منذر امر می‌کند: «شما در همه حال انذار کن، حتی در جایی که می‌دانی انذار موجب علم نمی‌شود، چه بسا شنونده اتفاقا علم پیدا کرد.» بنابراین شارع مقدس احتیاطا در مقام تشریع، انذار را به نحو مطلق بر منذرین واجب می‌کند تا جاهایی که اتفاقا برای شنوندگان علم حاصل می‌شود را تحت پوشش قرار دهد. این نوع احتیاط در مقام تشریع است که از سوی مولا صورت می‌گیرد و در برابر احتیاط در مقام امتثال که بر عهده مکلف است، می‌باشد.

Sco1 16:50

وجه دوم

در وجه نخست گفتیم مولا در مقام بیان وجوب تحذر نیست تا سخن از مطلق بودن آن به می‌ان آید. در این قسمت قرینه‌ای بیان می‌شود که بیان می‌کند آیه ناظر به جایی است که مردم با انذار منذرین به تکالیف علم پیدا می‌کنند. این وجه دو قسمت دارد.

قسمت نخست:

انذار در آیه شریفه انذار به تکالیفی است که منذر در آن‌ها تفوق عمیق و دقیق پیدا کرده است، پس انذار در آیه شریفه، انذاری را بیان می‌کند که پشتوانه‌اش تفقه و شناخت دقیق تکالیف است.

منذر باید تکالیفی را به مردم بگوید که آن‌ها را دقیق و عالمانه آموخته است. خداوند تحذر را در برابر چنین انذاری طلب کرده است. پس هر تحذری مطلوب مولا نیست، بلکه تحذری مطلوب است که آگاهانه باشد. در نتیجه مکلف در مقام تحذر از کلام منذر، باید احراز کند که انذار او متفقهانه و از روی آگاهی و بینش است.

قسمت دوم:

اگر شنونده به صدق منذر علم پیدا کند؛ معنایش این است که او می‌داند انذار منذر از روی شناخت دقیق و عمیق از دین بوده و منذر از روی آنچه می‌دانسته خبر داده است، پس در این جا که شنونده به کلام منذر علم پیدا کرده است، به حکم عقل تحذر می‌کند و نیازی به وجوب تحذر شرعی ندارد؛ اما اگر شنونده علم به صدق منذر پیدا نکرد و شک داشت، دو احتمال مطرح است:

احتمال نخست: احتمال دهد که منذر تکلیف را نشناخته و از روی خطا و جهل آن را بیان می‌کند.

احتمال دوم: احتمال می‌دهد که او دین را شناخته و بر اساس هوای نفس و از سر کذب چنین می‌گوید. در بند نخست گفتیم که، تحذر وقتی واجب است که اثبات شود که انذار، انذار آگاهانه است و تحذر در برابر انذار فقیهانه باشد. اگر مکلفی در صدق گفتار منذر شک کرد، در واقع شک کرده است که آیا انذار او آگاهانه است یا خیر. انذار آگاهانه و از روی تفقه تنها در حالت علم به صدق منذر است، پس انذار مطلوب، محرر نشده و در نتیجه تحذر در برابر آن واجب نیست.

Sco2 26 :21

چکیده

1. مقدمه دوم برای اثبات دلالت آیه شریفه نفو بر حجیت خبر واحد این است که تحذر در برابر انذار منذرین مطلقا واجب است.
2. به مقدمه دوم به دو وجه اشکال شده است . الف) آیه در مقام بیان وجوب تحذر نیست تا آن را مطلق بیان کند؛ ب) در آیه قرینه‌ای که بر مقید بودن وجوب تحذر دلالت کند وجود دارد.
3. آیه شریفه تکلیف منذرین را بیان می کند و این که آن‌ها مطلقا باید مردم را انذار کنند و در مقام بیان وظیفه مردم نیست، تا استدلال کننده بگوید وجوب تحذر بر مردم به صورت مطلق بیان شده است.
4. بین اطلاق وجوب انذار و اطلاق وجوب تحذر ملازمه وجود ندارد؛ زیرا چه بسا تنها تحذر در صورت ایجاد علم واجب باشد؛ اما انذار به صورت مطلق واجب باشد؛ زیرا از آن جا که ملاک انذار مطلوب، مشخص نبوده است، مولا به صورت مطلق به وجوب انذار حکم نموده است.
5. اگر ملاک حکم در مقام امتثال آشکارا مشخص نباشد، مولا برای حاصل شدن تمامی موارد تکلیف در مقام جعل احتیاط کرده و همه موارد را الزامی می کند.
6. در آیه شریفه انذار مطلوب، انذار از روی تفقه و آگاهی است که لازمه آن این است که تحذر مردم هم از روی آگاهی باشد در نتیجه مردم باید آگاهانه و عالمانه تکالیف را امتثال کنند. این امر مستلزم این است که تنها در جایی که انذار موجب علم باشد، تحذر واجب شود.